

## متن اختصاصی رضا داوری در نقد کتاب فوتبال و فلسفه

# استادیوم امروز؛ کلیسای دیروز

همراه با سخنرانی حسین شیخ رضایی، حمیدرضا ایک، حمید علیدوستی و عیسی عظیمی



مهری جمشیدی/اعتماد

### محسن آزموده

فوتبال امروز پر طرفدار ترین موضوعی است کسه گروه‌های متفاوتی از انسان‌ها را به شکل‌های خاصی به خود مشغول داشته است. گروه‌های مختلف سنی، قومی، جنسیتی، ملی، اجتماعی و... از جنبه‌های متفاوت در گیر فوتبال هستند، یعنی غیر از کسانی که خودشان با بازیکن حرفه‌ای یا غیر حرفه‌ای فوتبال هستند یا مربی فوتبال هستند. گروه‌های عظیمی از آدم‌ها طرفداران فوتبال هستند، شمار قابل ملاحظه‌ای از انسان‌ها نیز در گیر اقتصاد کلان فوتبال هستند. با این حجم قابل توجه حضور فوتبال در زندگی انسان‌ها شاید عجیب بنماید که دست کم در ایران تأمل جدی و نظام‌مند و دقیق راجع به آن این اندازه کم صورت می‌گیرد. در ترجمه آثاری چون فوتبال و دو وقت از این حیث اهمیت دارد. کتاب فوتبال و فلسفه با سرور استاری ندر یچارز اخیرا یا ترجمه عیسی عظیمی از سوی نشر مرکز منتشر شده است. کتاب شامل ۳۱ پاداشت از نویسندگانی است که عموما پژوهشگر و استاد فلسفه هستند. نحوه چینش مطالب کتاب شبیه زمان بندی فوتبال است. یعنی دونهیم و یک وقت استراحت و دو وقت اضافه. در نیمه اول ۷ مقاله اول دربارۀ طبیعت و ماهیت فوتبال می‌خوانیم. استراحت بین دو نیمه شامل ۳ مقاله با عنوان قوانین نا نوشته است. در نیمه دوم به مباحثی چون بازی زیبا و مفهوم زیبایی در فوتبال پرداخته می‌شود. وقت اضافه اول شامل ۴ مقاله دربارۀ مفهوم هواداری است و وقت اضافه دوم در ۵ مقاله فوتبال و جامعه می‌پردازد. در نهایت نیز کار به ضربات پنهانی کشیده می‌شود در کتاب اشارات جالب توجهی به سیاست، اجتماع، فلسفه‌دوستی و اقتصاد صورت می‌گیرد و از منظرهای متفاوتی به فوتبال پرداخته می‌شود. یک نمونه که برای خواننده ایرانی به طور خاص جالب توجه است، در صفحه ۲۰۸ است که به محمود احمدی نژاد رییس جمهور پیشین ایران اشاره می‌کند و اظهار نظر او را دربارۀ طرفداران فوتبال را مورد انتقاد قرار می‌دهد. فوتبال و فلسفه و فلسفه‌دوستی اخیر شهر کتاب، با حضور مترجم، حسین شیخ رضایی استاد فلسفه، حمیدرضا ایک دانش آموخته فلسفه و روزنامه‌نگار و حمید علیدوستی مربی فوتبال مورد نقد و بررسی قرار گرفت. همچنین در این نشست متن از سالی رضا داوری ارد کانی رییس فرهنگستان علوم و استاد فلسفه درباره کتاب قرائت‌شده که این متن به طور اختصاصی در اختیار روز نامه اعتماد قرار گرفت:

### گل به مثابه علت غایی ارسطویی

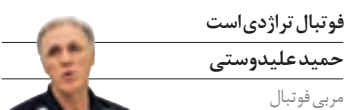


رییس فرهنگستان علوم

از دوست عزیز و گرامی‌ها، علی‌اصغر محمدخانی، تشکر می‌کنم که کتاب خواندنی فوتبال و فلسفه را برایم فرستاده‌اید. از روز پیش که آن را دریافت کرده‌ام، حدود صد صفحه‌ای از آن را خوانده‌ام و امیدوارم هر چه زودتر تا پایان بخوانم. می‌دانید که خیلی پیر شده‌ام. شغل دیوانی و توابع و لوازم آن هم هست. شب‌ها که خسته به خانه می‌روم حداکثر یکی، دو ساعت می‌توانم کتاب بخوانم و مگر با چشم و گوش آهو گرفته هر شب چند صفحه می‌توان خواند. این یادداشت‌ها می‌توانم تا بگویم بسیار خوشحالم که این کتاب خوب را برای نقد و معرفی به گزیده‌اید. جمع خوبی مرکب از فوتابلیست فلسفه‌دانان و فلسفه‌دان‌های فوتبال‌شناس هم با حضور مترجم، کتاب را نقد و معرفی می‌کنند. کتاب فوتبال و فلسفه نوشته یک شخص نیست بلکه یک تیم چهل و یک نفره فوتابلیست اهل فلسفه آن را نوشته است. نام کتاب را به درستی فوتبال و فلسفه گذاشته‌اند نه مثلا فلسفه فوتبال. البته در مواردی اشاراتی به فلسفه فوتبال هم در صفحات کتاب می‌توان یافت اما قصد نویسندگان نوشتن کتابی در فلسفه فوتبال نبوده است. آنها می‌خواست‌ه‌اند ببینند آیا میان شغل سابق و شغل فعلی‌شان یعنی فوتبال بازی کردن و فلسفه‌آموزی

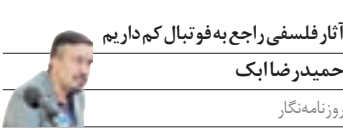
مناسبتی وجود دارد؟ اگر به رسم و سنت نگاه کنیم، موضوعی است که فلسفه‌دانان حتی اگر فوتبال را دوست ندارند چه سرا که در عمرشان در باب آن یک کلمه هم نگویند و ضرورتی برای گفتن از فوتبال حسن نکندند. فوتابلیست‌ها باید تا حدودی بلندنظر و با فرهنگ باشند که در کنار فوتبال برای فلسفه هم در دل و جان‌شان جایی باز شده باشد ولی راستی فوتبال که در قرن نوزدهم به وجود آمده است در اندیشه ارسطو و افلاطون و دکارت و نیوتن و لاپلاس و هگل و مارکس چه جایی می‌توانسته است داشته باشد و چگونه آنها می‌وانسته‌اند به چیزی که نبوده است و به جهان آنان تعلق نداشته است، فکر کنند. حتی به نظر می‌رسد که فیلسوفان آخر قرن نوزدهم و قرن بیستمی‌ها هم که اسیرشان در کتاب آمده و به بعضی آرای‌شان اشاره شده است هرگز فکر نمی‌کرده‌اند که باندیشه‌ها و آرای آنان بتوان مسائل فوتبال را توضیح داد ولی نویسندگان کتاب که فلسفه می‌دانند و ذوق بازی کم دارند در فلسفه‌هایی که بیشتر با آن آشنا بوده‌اند مناسبتی با فوتبال یافته‌اند و اتفاقا ذوق بسیار یاد باشد که بتوان علت غایی ارسطو را با «گل» قیاس کرد (من اصطلاح علت غایی را به کار بردم. مترجم زبانی ساده دارد و کتاب را ساده و بی تکلف و روان ترجمه کرده است. به مناسبت بگویم که این کتاب پر خواننده خواهد بود و بارها چاپ خواهد شد.

پس اگر یکی از عزیزان حاضر در مجلس نقد، کتاب را بخواند و اصطلاحات فلسفی را به زبان متداول اهل فلسفه برگرداند آسبمی به ترجمه خوب آقای عظیمی نخواهد رسید) و اتفاقا این قیاس با تناظر صرفا ظاهری هم نیست بلکه نظام ارسطویی با نظام فوتبال از جهات مختلف قابل قیاس است. گل در فوتبال، هدف نیست ولی آن را فوتبال خوانند یعنی نمی‌توان کرد. زیرا فوتبال با گل به کمال خود می‌رسد. علت غایی هم در فلسفه ارسطو کمال وجود است و نه مقصد و غایتی که آدمیان خواهند به آن برسد. البته همه نویسندگان از فلسفه‌ها به یک نحو استفاده نکرده‌اند. یکی از آنها نظر جان دیویی در باب هنر را به صورتی روشن بیان کرده است تا بتواند نتیجه بگیرد که فوتبال هنر است یا می‌تواند هنر باشد. این دو نمونه را به عنوان مثال ذکر کردم تا بگویم که نویسندگان کوشیده‌اند نظر خود درباره فوتبال را که البته نظر تحسین است، در زمینه فلسفه و با رجوع به آرای فیلسوفان بزرگ بیان کنند. پس قصد آنان فلسفه‌گویی نیست بلکه نظرشان بیشتر بیان اهمیت و مقام فوتبال و عرضی داشتن آلودگی‌های احتمالی آن است. با این همه کتاب را می‌توان مطمئن گزیدهای از آرای مهم و اساسی بعضی فیلسوفان دانست. خواننده‌ای که کتاب را با علاقه و دقت بخواند چه بسا در پایان کتاب بی آنکه منتفت باشد اطلاعات خوبی از فلسفه به دست آورده است. من هم کتاب را بسیار پرسیده‌اند و باز هم می‌پر سند که اموختن فلسفه را از کجا باید آغاز کرد و کدام کتاب را



باید خواند. شاید این کتاب به خصوص برای کسانی که علاقه بیشتری به فوتبال دارند برای آغاز فلسفه‌آموزی مناسب باشد. هم‌هنا چنانکه گفتم کتاب، کتاب فلسفه فوتبال نیست بلکه نویسندگان سرسته به خواننده می‌توان گفتند اگر ما هم‌زمان به فلسفه و فوتبال پرداختیم یا از فوتبال به فلسفه رفتیم بهلوسی نکرده‌ایم. فوتبال چیز کوچکی نیست و نظام و تربیتی دارد که می‌توان آن را با نظام فیزیکی فیلسوفان سنجدید. البته گهگاه جسته، گریخته چیزی از فلسفه فوتبال هم در آن می‌توان یافت. چنان که یکی از نویسندگان فوتبال را با نظام جهان ارسطویی سنجدیده است. در این صورت فوتبال کم و بیش به صورت یک نظام کیهانی تلقی می‌شود اما اگر با رجوع به فلسفه‌های هگل و مارکس و نیچه و جان دیویی و هوسرل و سارتر و بخواهند ماهیت فوتبال را درک کنند آن را یک درام تاریخی که مهر و کین و شادی و غم و علم و جهل و مهربانی و خشونت و... را در خود دارد می‌یابند. پس فوتبال صورتی از سرگذشت آدمی و زندگی و کوشش آزاد او در زمان و مکان محدود و معین با رعایت قواعد و قوانین خاص می‌شود. با این تلقی فوتبال را از تماشاگرانش نمی‌توان جدا کرد. اصلا فوتبال با تماشاگرانش این همه اهمیت پیدا کرده است. تماشاچی را نباید صرفا در اقتصاد فوتبال دید. من هم کاری به شأن اقتصادی قضیه ندارم زیرا شور و شادی و غم و اشک و... حتی تشویق‌ها و ناسزاگویی‌های تماشاگران هم جزئی از فوتبال است. همه اینها کم و بیش به فلسفه فوتبال

فوتبال را پیر کند. مثلا یکی از سوال‌هایی که چند سال پیش در جامعه فوتبالی ما مطرح شد، این بود که فنی بودن مهم‌تر است یا اخلاقی بودن؟ همچنین در این کتاب فصلی هست که به مساله فوتبال به مثابه هنر با طرح این پرسش می‌پردازد که آیا رونالدو پیکاسوی مدرن است؟ در این فصل نویسنده به این نتیجه می‌رسد که بر اساس اندیشه‌های جان دیویی و نگرشی کارکردگرایانه به هنر می‌توان بازی رونالدو را نیز هنر تلقی کرد، زیرا زمانی امری هنری است که در متن جامعه منجر به کارکرد شود و امری تولید کند، یعنی از دید دیویی هنر موزهای و فاخر تأثیر چندانی در جامعه ندارد. در فوتبال به دلیل فراوانی مخاطب شمار زیادی از آدم‌ها از فوتبال رونالدو بهره‌مند می‌شوند و این همان حضور هنر در زندگی است. بنابراین تأثیر فوتبال در متن زندگی از بسیاری از امور دیگر بیشتر است.



حمیدرضا ایک بیحت خود را با اشاره به سه ترکیب حاضران در جلسه که شامل شمار قابل توجهی از ورزشی‌نویسان مطبوعات ایران و برخی از اهالی فلسفه است، آغاز کرد و گفت: زمانی که شهید اوینی مقاله نوشتن با دوربین را نوشت، بحث نسبت سینما به مخاطب را مطرح کرد که آن زمان داغ بود و در این زمینه بحث می‌شد که اثر سینمایی ک فیلدینگ پسند نباشد را فیلم بنامیم یا سینما؟ حالا در فوتبال هم همیشه تماشاگر به عنوان امری جدی در نظر نگرفته شده است و بهتر است به اهمیت مخاطب در فوتبال توجه شود.

وی در ادامه اشاراتی به کتاب فوتبال و فلسفه کرد و گفت: این اثری است که به نحوی کلاسیک به فلسفه پردازی راجع به فوتبال پرداخته است. البته

پیش‌تر آثاری چون فوتبال در برابر دشمن نوشته سالیرون کوپر را یا ترجمه جان فردوسی پور دانشمند که به نحوی تفکر راجع به فوتبال است، اما در فارسی اثر مستطیل با موضوع فلسفه‌ورزی درباره فوتبال نداشته‌ایم و تنها باید به دو پژوهانه مطبوعاتی یکی ویژه‌نامه ماهنامه اطلاعات حکمت و معرفت درباره فلسفه فوتبال (شماره ۴۱ مرداد ۱۳۸۸) اشاره کرد و دیگری ویژه نامه روزنامه شرق ۷-۸ سال پیش از وجود وی ایند و پرسش می‌شوند.».

این نظر هر چه باشد مطبوع و مقبول یا نامقبول و نامطبوع، حکمی در فلسفه فوتبال است و سخن آخر اینکه این کتاب مثل همه کتاب‌های نظیرش مطالب قابل چون و چرا دارد اما در مجموع کتاب خوبی است و مترجم محترم کار شایسته‌ای کرده است. امیدوارم حدس می‌زنم که مجلس خوبی داشته باشید. توفیق همیشگی جنابعالی و همکاران محترم‌تان را از خداوند مسالت دارم.

### فوتبال تراژدی است

حمید علیدوستی
مربی فوتبال
حمید علیدوستی بحث خود را با اشاره به ابعاد گسترده فلسفه فوتبال کرد و به علاقه همیشگی خود به کتاب و فوتبال اشاره کرد و گفت: فوتبال یک ورزش ساده‌است، زمین فوتبال مستطیل سبزی است که علاقه تقسیم شده است و در آن دو تیم یازده نفره در حضور یک داور و دو کمک داور در دو نیمه ۲۵ دقیقه با هم برای وارد کردن توپ به دروازه یکدیگر با پا رقابت می‌کنند. آنچه فوتبال را عجیب می‌کند، این است که شروع فوتبال با چرخش سکه آغاز می‌شود، یعنی همه چیز با تصادف و شانس به عنوان یک نیروی مرموز و پنهان شروع می‌شود. همیشه برای من تأثیر این باخت و اقبال در خود بیشتر بازی و نتیجه فوتبال اهمیت داشت. بحث بعدی پیچیدگی فوتبال است که همچون پیچیدگی تجدد است. یعنی در فوتبال تاکتیک‌ها و استراتژی‌های شگفت‌ناظر شاهدیم و به دلیل این پیچیدگی فوتبال

info@etemadnewspaper.ir

### فوتبال هنر صوری

شیخ رضایی: گفتم اثر هنری را باید با دید طرفی دید. این نگرش به فوتبال تنها زمانی ممکن است که بازی زنده تمام‌شده باشد و ما به تکرار آن نگاه کنیم که دیگر طرفداری در احساسات بر آمده از تماشای آن معنایی نداشته باشد. بحث من شبیه این است، یعنی اگر طرفداری‌های بیرونی را کنار بگذاریم، فوتبال ارجاعی به جهان بیرون ندارد و در لحظه فرم‌هایی می‌شود که در لحظه ساخته می‌شود و از بین می‌رود و خیلی اقتضایی است و هیچ دستور العمل از پیش تعیین شده‌ای ندارد. یعنی فوتبال به هنر بی‌معنا و صوری بدل می‌شود.

جامعه‌شناسی اشاره کرد که در آنجا بحث خود را تع به فوتبال را با این تعبیر معروف و جذاب آغاز کرد که «فوتبال مساله مرگ و زندگی نیست، فوتبال چیزی فراتر از مرگ و زندگی است.» ایک گفت: این تعبیر همیشه برای گوینده اعتبار فراوانی می‌آورد و همه او را تشویق می‌کردند. حق هم داشت، زیرا کاشف جمله در زبان فارسی ایشان بود. اما در انجمن جامعه‌شناسی کسی از وی پرسید که این جمله چه معنایی دارد؟ گوینده این سخن یعنی امیر حاج رضایی البته جزو پیشگامان تحلیل فکری فوتبالی در سرزمین ما است و این تعبیر هم مهم است. اما نکته مهم این است که وقتی ایشان در معرض سوال این پرسشگر قرار گرفت سسری تکان داد و گفت ای کاش بیل شکلی، (مربی بزرگ دهه هفتاد لیورپول و گوینده اصلی این جمله) خودش اینجا بود و پاسخ شمارا می‌داد.

### تفکر جدی و پیگیر راجع به فلسفه نداریم

ایک گفت: راجع به نسبت اخلاق و فوتبال بسیار بحث شده است. اما چرا ما هنوز این میزان بحث را کافی نمی‌دانیم؟ زیرا حرف زیاد زده شده است، اما بحث پیش نرفته است. یعنی مباحث در سطح باقی مانده است. علت شاید این باشد که فوتبال خودش خیلی جذاب است و سمت و سوی متن‌هایی هم که درباره آن نوشته شده بیشتر به سمت آن جذابیت بوده است. یعنی ما در حوزه مباحث نقدی در فوتبال مسامحتا می‌گفت سنتی قاره‌ای داشته‌ایم، یعنی حرف‌های جذاب و ادبیات پرانگیزنده‌ای داشته‌ایم. یعنی در واقع به قصد تفکر فلسفی درباره فوتبال چیزی نوشته شده است که وقتی می‌خوانیم آن مقاله‌های هوداگرانه می‌یابیم فقط صرفا طرح موضوع است، بدون در نظر گرفتن ابعاد آن. آیا مقصر فوتبال‌ها هستیم؟ خیر. مقصر روزنامه‌نگاران ورزشی نیستیم، زیرا کار آنها پرداختن به فلسفه فوتبال نیست، نکته این است که تفکر راجع به فوتبال جدی گرفته نشده است، زیرا خود موضوع جدی گرفته نشده است. یعنی فوتبال مثل ژورنالیسم سطحی تلقی می‌شود.

وی تأکید کرد: در کتاب حاضر در مقاله‌ای در خشان مقایسه‌ای میان درام زندگی و درام فوتبال صورت می‌گیرد و می‌گوید فوتبال به این دلیل جذاب است، که بازسازی درام زندگی است. نویسنده با جزئیات در این باره بحث می‌کند و می‌گوید همه اهمیت فوتبال در این است که باید درک کرد در نهایت فوتبال بازی است، اگر این درک صورت نگیرد، میان درام زندگی و درام فوتبال خلط به وجود می‌آید و شخص به یک هولیگان بدل می‌شود و اتفاقات هولیگانیستی که رخ می‌دهد، به دلیل این خلط میان جهان فوتبال و جهان زندگی صورت می‌گیرد. این تخفیف فوتبال نیست. جامعه‌پلوسوفان ماهیچگانه نخوسته فوتبال را جدی بگیرد، در حالی که فوتبال جزو جدی‌ترین امور است. برخاطب‌ترین برنامه تلویزیون راجع به فوتبال است، پولی که در فوتبال جابه‌جا می‌شود، بسیار زیاد است. بنابراین سوال اساسی این نیست که چرا جامعه ورزشی فوتبالی فلسفه را جدی نمی‌گیرد، بلکه سوال اساسی این استست چرا جامعه فکری ما از این موضوع بسیار مهم غفلت کرده است؟

این روزنامه‌نگار در پایان گفت: بارها دیده‌ام که ایشان توصیه هم نمی‌کنم کتاب را بخوانند. خوانند کتاب برای منتقدان فوتبال و ورزشی نویسان هم جزو وظایفشان تلقی نمی‌شود و می‌توانند این کتاب را نخوانند و در کارشان موفق باشند. اهل فلسفه نیز که معمولا شأن اجلی از این موضوع دارند که به فوتبال علاقه داشته باشند و معمولا این علاقه را و با ملاحظات فلسفی در کنارشان می‌کنند. آقای دکتر داوری از معدود افرادی بود که همیشه وقتی به اتاق شان می‌رفتم، فوتبال می‌دیدند و همه فوتبال‌ها را هم می‌بینند. اما به هر حال بعد است از بحث، یعنی همه چیز با تصادف و شانس به عنوان یک نیروی مرموز و پنهان شروع می‌شود. همیشه برای من تأثیر این باخت و اقبال در خود بیشتر بازی و نتیجه فوتبال اهمیت داشت. بحث بعدی پیچیدگی فوتبال است که همچون پیچیدگی تجدد است. یعنی در فوتبال تاکتیک‌ها و استراتژی‌های شگفت‌ناظر شاهدیم و به دلیل این پیچیدگی فوتبال

### فلسفه‌ورزش چیست؟ حسین شیخ رضایی استاد فلسفه

حسین شیخ رضایی بحث خود را با اشاره به علاقه خاص خود به فوتبال آغاز کرد و گفت: یکی از زیرشاخه‌های نسبتا فعال در حوزه فلسفه، فلسفه ورزش است. فلسفه ورزش حدود دهه ۱۹۷۰ تثبیت شده و از سال ۱۹۷۴ راجع به آن مجله‌ای آکادمیک به نام «فلسفه نام فلسفه ورزش» تاسیس شده است. تاسیس شده است و چهره‌های نسبتا آکادمیکی در آن کار می‌کنند. فلسفه عمدتا به پرسش‌های مفهومی می‌پردازد و فلسفه ورزش عنوان عامی است که ذیل آن تمام شاخه‌های فلسفه حضور دارند و هر کدام از دید خاص خودشان به ورزش می‌پردازند. مثلا یکی از شاخه‌های فلسفه زیبایی‌شناسی است که به این پرسش می‌پردازد که امر زیبا چیست؟ متناظر با این کسانی که از این دید به فلسفه ورزش می‌پردازند، به این موضوع توجه دارند که رابطه زیبایی با ورزش چیست؟ یا به طور خلاصه در ورزش‌های گوناگون زیبا اهمیت دارد (مثل ژیمناستیک) ملاک تعیین زیبایی چیست؟ داغ‌ترین حوزه در فلسفه ورزش مباحث فلسفه اخلاقی است که

## سیاست‌نامه



به عمل نیز نزدیک‌تر است. یعنی در برخی کشورها کسانی استخدام می‌شوند که راجع به اخلاق ورزش فکرمز و تولید فکری کنند. و به مسائلی از این دست بپردازند: وضعیت اخلاقی دوپینگ، بحث تقویت قوای ورزشکار و وقت کشی یا ضد فوتبال، بحث خطای فنی، مساله جنسیت و ورزش که در این موضوع راجع به این بحث می‌شود که آیا فوتبال درون خودش عنصر مردسالارانه‌ای دارد یا خیر؟ مثال بعدی بحث اخلاقی در مساله قانونگذاری فدراسیون‌های ورزشی است. همچنین در نگاه فلسفه سیاسی به فلسفه ورزش مباحثی از این دست مطرح می‌شود که آیا میان ورزش‌ها مثل فوتبال و جهان بینی‌های سیاسی مثل سترماه داری رابطه هست یا خیر؟ البته لازم به ذکر است که فلسفه ورزش به مسائل عام ورزش‌ها می‌پردازد، اما با همین رویکرد هر کدام از ورزش‌ها مثل فوتبال می‌توانند فلسفه خاص خودشان را داشته باشند. یعنی در فلسفه فوتبال به مسائل خاصی پرداخته می‌شود که از بازی فوتبال برمی‌خیزد.

### کتابی ایدانشجویان فلسفه

شیخ رضایی بعد از اشاره به مباحث فلسفه ورزش گفت: این مباحث مورد علاقه طرفدار فوتبال و ورزشی‌نویس و ورزشکاران نیست، بلکه شاخه‌ای اختصاصا فلسفی است که مثل سایر مباحث فلسفی موضوع مورد بحث را به جسدی برای تشریح عقلانی بدل می‌کند. کتاب حاضر در این زائر یعنی فلسفه ورزش با فلسفه فوتبال قرار نمی‌گیرد بلکه اکثر مقالاتش در مرز مشترک فوتبال و فلسفه حرکت می‌کند و نمی‌خواهد ارتباطش را با فوتبال قطع کند. این امر کتاب را خواندنی می‌کند، یعنی مخاطب کتاب کسی است که به فوتبال علاقه دارد.

وی در ادامه گفت: البته این کتاب به درد دانشجوی فلسفه می‌خورد، زیرا در نهایت تربیت فلسفی و اصولا تعلیم و تربیت قرار است به دانشجویان آموزش دهد که از منظرهای مختلف به موضوعی واحد بنگرند، در فلسفه این امر اهمیت بیشتری دارد. این کتاب تمرین خوبی برای فکر کردن راجع به فوتبال و عناصر گوناگون آن است. نویسندگان دست کم ۲۰ و ۳۱ موضوع لابل تا لابل فوتبال را اینته زنده‌اند، مثل وضعیت وجودی دروازه‌بان، شرایط متفاوت دفاع و حمله، فوتبال هنر است یا خیر... البته اینکه کتاب تکنوگاری نیست، در این زمینه اهمیت دارد و برای تفکر واگرا بسیار مفید است.

شیخ رضایی سپس به نکاتی راجع به ترجمه کتاب اشاره کرد و ضمن مطلوب ارزیابی کردن آن به صورت کلی تأکید کرد: البته بهتر است کتاب را یک ویراستار آشنا به فلسفه از نظر بزرگان تا اصطلاحات فلسفی و ترجمه‌های رایج و جاف افتاده آن در فارسی را تصحیح و یکدست کند.

### فوتبال همچون یک هنر انتزاعی

این استاد فلسفه در ادامه به این بحث پرداخت که «یا می‌توان فوتبال را هنر تلقی کرد یا خیر» و گفت: منظور البته کار برد استعاری تعبیر «هنر» برای فوتبال نیست. برای پاسخ به این پرسش باید سخنی در آغاز کتاب را در نظر بگیریم: فوتبال را اینته زندگی می‌خوانند، فکر در نظر گرفت، یعنی کاری به ملیت یا رنگ یا نژاد یا زبان یا شهر یا تمدن خاصی نداشته باشیم، حتی به برد و باخت و تعداد گل‌ها هم اهمیت نداریم. در این حالت یعنی اگر هر نوع ارتباط فوتبال از جهان خارجی را کنار بگذاریم و فوتبال را از زبانه‌ای جهانی دیگر جدا کنیم، آنگاه فوتبال به هنر‌های انتزاعی بدل می‌شود، مثل گل قطعه موسیقی که در آن چیزهایی ساخته می‌شود که فقط در خودش معنا دارد و بیرون از خودش ارجاع ندارد. اگر این نگاه به فوتبال بنگریم، فوتبال به معنای واقعی کلمه اثر هنری است. البته این نوعی نگرش خاص به فوتبال است. یکی از نویسندگان کتاب می‌گوید کاش می‌تواند اثر هنری را باید با بی‌طرفی دید. این نگرش به فوتبال انتزاعی است. ممکن است که بازی زنده تمام‌شده باشد و ما به تکرار آن نگاه کنیم که دیگر طرفداری در احساسات بر آمده از تماشای آن معنایی نداشته باشد. بحث من شبیه این است، یعنی اگر طرفداری‌های بیرونی را کنار بگذاریم، فوتبال ارجاعی به جهان بیرون ندارد و در لحظه فرم‌هایی به صورت گروهی ساخته می‌شود که در لحظه ساخته می‌شود و از بین می‌رود و خیلی اقتضایی است و هیچ دستورالعمل از پیش تعیین شده‌ای ندارد. یعنی فوتبال به هنر بی‌معنا و صوری بدل می‌شود. نکته جالب این است که درک هنر‌های انتزاعی برای عموم مردم سخت است، یعنی مردم شاید کمتر به نمایشگاهی بروند که نابالوهای ابستره دارد. اما فوتبال هنری انتزاعی است که درکش برای عموم راحت است.

شیخ رضایی گفت: بسیاری از ما با این سوال برخی مادرزبر گه‌ها یا پدرزبر گه‌ها مواجه شده‌اند که از معنای فوتبال پرسیدند تا پرسیدند که یعنی چه عده‌ای دنبال یک توپ می‌دوند؟ این نگرش به فوتبال دنبال معنای فوتبال است و از طرز دیدن فوتبالی که من از آن سخن گفتم، لذت و لذت‌زدن دیدن فوتبالی که من از فوتبال دارم را کل کنار بگذاریم و آن را به امری کاملا بی‌معنابد کنیم، این نگاه زیبایی‌شناسی خاصی می‌آید و جالب است که این زیبایی‌شناسی خاص بالاترین طرفدار را پیدا کرده و تبدیل به معنای جدید شده است. این ترکیب جالبی از یک هنر انتزاعی باهنر بزرگ اجتماعی است.



علیدوستی:

برای من

فوتبال یک

تراژدی مثل

تراژدی‌های

شکسپیر

است. این

تجربه خود من

هم بوده است



نشست هفته‌گی شهر کتاب